

از دواچ‌های دوستانه!

اشاره

موضوع مشاوره این شماره، شاید تکراری باشد، اما معضلی است که تاریخ مصرف ندارد و همچنان پس از سال‌ها و با پیشرفت مجامع جهانی، قربانی می‌گیرد و عوارض روحی و روانی آن جوانان زیادی را به چالش می‌کشد. پرونده ویژه این شماره که در مورد ویجت و ارتباط دختر و پسر در محیط را بهانه کردیم تا بار دیگر به این موضوع ورود کنیم. درباره اینکه ارتباط با جنس مخالف با چه انگیزه‌هایی انجام می‌شود، صحبت‌های فراوانی مطرح شده و می‌شود. از دلایل اجتماعی و سیاسی گرفته تا این که مقصر خانواده‌ها، دوستان، مراکز دینی و... هستند حرف‌های زیادی مطرح شده. شاید همه این‌ها درست باشد. شاید عده‌ای به‌خاطر اعلام مخالفت هنجارشکنی می‌کنند. شاید عده‌ای به دلیل ناآشنایی با مباحث دینی یا سرخوردگی از بچه‌های مذهبی به هنجارشکنی و از جمله ارتباط با جنس مخالف روی بیاورند.

اما گذشته از همه این حرف‌ها، بیش از همه و زودتر از همه کسانی که از این‌گونه ارتباطات آسیب می‌بینند خود دختر و پسری است که درگیر چنین رابطه‌ای شده‌اند. نمی‌خواهیم بگوییم هر کسی با یک نفر از جنس مخالف صحبت کرد پس الان درگیر این آسیب‌هاست؛ ولی نکته اینجاست که هر کسی خودش مرز میان یک ارتباط سالم و ناسالم را به خوبی می‌فهمد. به شرطی که نخواهد سر خودش کلاه بگذارد. آشنایی‌هایی که در محیط‌های این‌چنینی ایجاد می‌شوند، به همان اندازه دوستی‌های عالم واقعی خطرناک هستند. زیرا ممکن است این آشنایی‌ها هر لحظه وارد دنیای واقعی افراد شوند!

پرونده
ویژه





۱. ممکن است در مدت کوتاهی به هر دلیل عاطفی، روانی، جنسی یا مالی این ارتباط لذت‌بخش و خوشایند باشد. ولی براساس آموزه‌های دینی، ظلمت گناه زندگی فرد را تیره می‌کند.

۲. بسیاری از این ارتباطات پس از جدائی باعث ضربه‌های روحی و شخصیتی می‌شود.

۳. اکثریت و تقریباً همه پسرها هدف اول‌شان از ارتباط با یک دختر کنجکاوی، لذت‌طلبی و مسائل جنسی است. در حالی که اکثریت و تقریباً همه دخترها با انگیزه‌های عاطفی درگیر چنین رابطه‌هایی می‌شوند. معمولاً پسر پس از مدتی به دلایل مختلف از جمله تنوع‌طلبی یا هر عامل دیگر، دختر را رها کرده و او را با هجومی از عذاب وجدان، احساس حقارت، احساس شکست و ناتوانی و خدای ناخواسته آبرویی بر باد رفته رها می‌کند.

۴. شاید نکات بالا بیش‌تر متوجه دخترها باشد. ولی این نکته که بسیاری از طلاق‌ها در دوران عقد و درصد بالایی از طلاق‌هایی که در دو سال اول، زندگی‌ها را متلاشی می‌کند، به دلیل لو رفتن این‌گونه ارتباطات توسط یکی از زوجین در زمان پیش از ازدواج بوده است.

۵. رکن اساسی یک زندگی موفق اعتماد متقابل زوجین به یکدیگر است. اما در زندگی‌هایی که براساس یک رابطه خیابانی شکل گرفته، همواره با یک دل‌پره همیشگی همراه است که شاید همسر من با دختر یا پسر دیگری ارتباط داشته و شاید همچنان ارتباط دارد... شاید به خاطر شخص دیگری مرا رها کند... شاید به من خیانت کند.

این شایدهای واقعی و خیالی زندگی را سست می‌کند. یک مرد دوست دارد همسرش عقیف و پاکدامن باشد. زن هم این‌گونه است. اما اگر به دلیل اختلافات کوچک و طبیعی زندگی و حتی یک عصبانیت زودگذر از خود بپرسد: دختری که قبلاً از طریق خیابان، موبایل چت یا هر راه غیر سالم دیگر با او آشنا شده و جرأت رفاقت با یک نامحرم را داشته، شاید من اولین دوست او نبوم و بدتر این‌که بگویم: شاید من آخرین آن هم نباشم. به نظر شما این زندگی تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟

۶. بارها دیده و شنیده‌اید که فلان پسر که اصلاً آدم روبراهی نبوده، «آدم حساسی شده»، «خوب شده» پسر سر به راهی شده، و تعابیر تحسین‌آمیز دیگری که نشان می‌دهد پسری که اهل هر زشتی بوده اکنون پاک شده است. اما آیا دیده یا شنیده‌اید حتی به دروغ به دختری نسبتی ناروا داده شود و بعد آن دختر را بدون آن اتهام قضاوت کنند. یا بگویند فلان دختر سر به راه شده است. حتی پس از توبه و پاکی چنین کسانی در نگاه هر چند اشتباه جامعه، متهم است.

۷. در روایات فراوانی همسر شایسته و خوب از نعمت‌ها و روزی‌های خدا شمرده شده و باز در روایات دیگری تأکید شده روزی هیچ‌کس با حرام افزوده نمی‌شود؛ جز این‌که کسی که بخواهد از حرام کسب روزی (هر نوع روزی - مادی یا غیر مادی) کند، از رزق حلال او کاسته شده و گناه نیز انجام داده است. و در روایات دیگری از ائمه معصومین نقل شده کسی که به خاطر خدا از حرام چشم‌پوشد خداوند همان یا بهتر از آن را از راه حلال نصیبش خواهد کرد.

۸. پس با خدا معامله کن و اگر می‌دانی که اشتباه کرده‌ای همین امروز به اشتباهاتت پایان بده. خدا دور نیست.

۹. این‌که من فرق دارم، من مثل بقیه نیستم، یا او با بقیه فرق دارد و پسر یا دختر خوبی است، ما با بقیه فرق داریم، ما عاشق هم هستیم و صدها جمله شبیه به این‌ها، جملات و کلماتی است که در تمام آن دوستی‌ها و ارتباطاتی که «شما با آن‌ها فرق داری» گفته شده و همه آن‌ها هم همین حرف‌های شما را می‌زدند.

۱۰. نکته آخر این‌که اگرچه ترتیب این نکات رعایت نشد، شاید برخی تذکرات مهم‌تر باشد ولی در پایان این‌که: دختر یا پسری که قبلاً تجربه چنین روابطی را داشته‌اند، هنگام ازدواج حتی با کسی غیر از طرف رابطه‌شان، همواره با یک بدبینی مفرط که همه دخترها چنین‌اند یا همه پسرها چنان‌اند، تصمیم‌گیری برای ازدواج را مشکل می‌کند.

